یادداشت

ترامپ و پادشاهی‌های نفتی خلیج فارس

ادامه از صفحه اول

علاوه بر پیگیری منافع اقتصادی، رئیس‌جمهور آمریکا از این سفر برای تشریح جهت‌گیری‌های اصلی دوره دوم ریاست‌جمهوری خود استفاده کرد. در جریان «مجمع سرمایه‌گذاری آمریکا - عربستان»، دونالد ترامپ سخنرانی‌ای در حوزه سیاست خارجی ایراد کرد که در آن با درس‌گرفتن از گذشته، مداخله‌گری بی‌رویه دولت‌های نئومحافظه‌کار و دموکرات پیشین را نکوهش کرد. او موفقیت‌های میزبانانش را در عباراتی غیرمعمول ستود و به حاکمیت ملی آنها احترام گذاشت:

«باقی دنیا باید این حقیقت را درک کند: این تحول بزرگ حاصل مداخله‌گران غربی یا مردانی نیست که با هواپیماهای زیبا به اینجا می‌آیند تا به شما درس زندگی و اداره کشورتان را بدهند. نه؛ شگفتی‌های درخشان ریاض و ابوظبی را نه آنهایی که خود را «سازندگان ملت» می‌نامند خلق کرده‌اند، نه نئومحافظه‌کاران و نه لیبرال‌های خیریه محور که با هزاران میلیارد دلار هزینه نتوانستند کابل، بغداد یا دیگر شهرها را توسعه دهند».

دونالد ترامپ همچنین درباره مسائل راهبردی داغ خاورمیانه، مانند سرنوشت برنامه هسته‌ای ایران و آینده سوریه موضع‌گیری کرد.

با وجود انتقادات شدید از سیاست‌های پیشین ایران، ترامپ بر تمایل خود برای «پایان‌دادن به درگیری‌ها» و «رسیدن به توافق» با تهران تأکید کرد و عملا حملات پیش‌دستانه‌ای که از سوی تل‌آویو درخواست شده بود را رد کرد. با این حال، نتیجه مذاکرات همچنان نامعلوم است، چراکه ایران بر حفظ برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود پافشاری می‌کند. علاوه بر این، رئیس‌جمهور ترامپ به طور غیرمنتظره تصمیم به لغو تحریم‌ها علیه سوریه که اقتصاد آن در آستانه فروپاشی است، گرفت. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، با وعده پرداخت بدهی سوریه به بانک جهانی (۱۵ میلیون دلار) و مشارکت در بازسازی این کشور، ترامپ را تشویق کرد. رئیس‌جمهور آمریکا روز چهارشنبه ۱۴ می با احمد الشرع، تروریست سابق القاعده که چهره‌ای جدید یافته، در ریاض دیدار کرد که با توجه به ناتوانی دولت موقت سوریه در تثبیت اقتدار خود و همچنین بهره‌برداری گروه‌های افراطی‌تر مانند داعش از خلأ امنیتی، حرکتی پرخطر محسوب می‌شود. این اقدامات موجب تشدید تنش میان تل‌آویو و واشنگتن شده است.

در حالی‌که اسرائیل از برنامه سفر ریاست‌جمهوری حذف شد، معاون رئیس‌جمهور، جِی.دی. ونس نیز سفر خود به تل‌آویو را ظاهرا به دلایل لجستیکی، هم‌زمان با اعلام حمله جدید در نوار غزه که بحران انسانی در آن روز به روز وخیم‌تر می‌شود، لغو کرد، همین وضعیت مانع از آن شد که ترامپ بتواند رضایت پادشاهی‌های خلیج فارس برای گسترش توافق‌نامه‌های ابراهیم را جلب کند.

در نهایت، اگرچه این نخستین سفر به خاورمیانه از نظر اقتصادی موفقیت‌آمیز بود، اما سرنوشت پرونده‌های منطقه‌ای از جمله توافق هسته‌ای با ایران، آینده غزه، لبنان و سوریه همچنان نامعلوم باقی مانده است. باید دید آیا روش ترامپ که شاید عجیب ولی عمل‌گرایانه است، نتیجه خواهد داد یا خیر.

سیاست و نقد در عرصه عمومی

ادامه از صفحه اول

آنجا که سلطان مسعود از وزیرش نظر می‌خواست و وزیر پاسخ می‌داد «امر، امر سلطان» است و هرچه سلطان بگوید. این هرچه سلطان بگوید و هرچه سلطان بخواهد، می‌رسد تا «حمام فین کاشان» و «رگ امیرکبیر». اما جامعه می‌رود تا می‌رسد به انقلاب مشروطه. از شکست در جنگ با روسیه تا انقلاب مشروطه است که سیاست از درون کاخ مسیری را طی می‌کند تا به عرصه عمومی می‌رسد و دوران نصیحت‌الملوکی پایان می‌یابد و نصیحت، جای خود را به انتقاد و نقد می‌دهد. همه تلاش‌هایی هم که در این ۱۲۰ سال شده (و بیشترینش در زمان رضاشاه) که سیاست بشود همان معنایی که ناظم‌الاطباء گفته، از آنجا که این غول دیگر از شیشه بیرون آمده، دیگر به درون شیشه بازنمی‌گردد و دلیلش فقط یک چیز است؛ رسانه. رسانه آن عاملی است که از «کاغذ اخبار» تا امروز که در بسترهای مجازی، برای هرکسی این امکان را فراهم کرده تا نظر خود را منتشر کنند، هر روز عرصه عمومی را گسترده‌تر کرده است. نمی‌دانم یادتان هست یا نه، ولی زمانی در همان سال‌های اول انقلاب، رسم شد که بگویند نقد باید سازنده باشد؛ یعنی سازندگی را به منتقد برمی‌گرداند، نه به صاحب قدرت؛ یعنی اگر صاحب قدرت در کارش به سازندگی نمی‌پردازد، اشکال در نقدی است که سازندگی ندارد، درحالی‌که آن که صاحب قدرت است باید بسازد نه آن که ایرادها را نشان می‌دهد. اصلا نقد و منتقد که وظیفه‌اش سازندگی نیست. حتی وظیفه‌اش نشان‌دادن راه نیست. اینکه بگوییم با نقدی که می‌کنی راه‌حل هم بده، منحرف‌کردن موضوع و فرار از مسئولیت است. منتقد وظیفه‌اش این است که جای زخم را نشان دهد. این صاحب قدرت است که باید برای درمان زخم راه‌حل بیابد، و الا چرا آنجا نشسته، بیاید پایین و در میان مردم. مردم به او قدرت سپرده‌اند که راه‌حل بیابد. رسانه و منتقد هم کارش این است که هشدار بدهد. مردم یعنی عرصه عمومی و چون سیاست در عرصه عمومی رخ می‌دهد، نقد هم در همین عرصه اتفاق می‌افتد. مدتی است که برخی از نزدیکان رئیس‌جمهور از این می‌گویند که نقد بر دولت را باید خصوصی به ایشان رساند و هرکس نقد دارد باید راه‌حل هم ارائه کند. این نگاه همان نگاه کهن نصیحت‌الملوکی است که ۱۲۰ سال است دورانش تمام شده و رسانه هم روابط‌عمومی دولت نیست. وقتی دولت در عرصه عمومی سیاست‌ورزی می‌کند، نقد آن هم در عرصه عمومی اتفاق می‌افتد و نه درِ گوشی و خصوصی، حتی به تندترین شکل.

خبر

بنیان‌گذاران هزاردستان و دیجی‌کالا: «شبنامه‌ها» به استارتاپ‌ها مانند حمله مغول‌ها ضربه می‌زنند

«حسام آرمندهی»، بنیان‌گذار گروه هزاردستان و «حمید محمدی»، هم‌بنیان‌گذار دیجی‌کالا، هفته گذشته نسبت به انتشار شبنامه‌هایی که به اکوسیستم استارتاپی ضربه می‌زند ابراز نگرانی کردند. این دو با انتشار پستی در شبکه اجتماعی لینکدین اعلام کردند که انتشار شبنامه‌ها و اتهامات امنیتی سال‌های گذشته بر فضای استارتاپی ایران تأثیرات مخربی گذاشته است. در این نوشته این دو فعال قدیمی اکوسیستم استارتاپی، از فضایی انتقاد کرده‌اند که برخی به صورت بی‌نام‌ونشان اتهامات غیرواقعی به این اکوسیستم وارد می‌کنند. به باور آنها، این اتهامات نه‌تنها اعتماد و امنیت روانی را از بین برده، بلکه روند رشد اقتصادی کشور در حوزه دیجیتال را نیز مختل کرده است.

آرمندهی با یادآوری جایگاه پیشین ایران به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در حوزه استارتاپ‌ها در منطقه، این سؤال را مطرح کرده که چگونه کشورهایی مانند ترکیه، امارات، عربستان و اردن، یکی پس از دیگری از ایران سبقت گرفتند. او دلیل اصلی این عقب‌ماندگی را پدیده‌ای به نام «شبنامه» دانسته است: «جریانی مخرب که با هدف‌قراردادن چهره‌های شناخته‌شده در فضای کسب‌وکار، ذهنیت فعالان این حوزه را از مسیر رشد به حاشیه‌هایی همچون ترس و بی‌اعتمادی کشاند».

همیشه مشکل از حاکمیت نیست، گاهی استارتاپ‌ها همکاری نمی‌کنند

ادامه از صفحه ۵

اگر همین اسنپ دست دولت بود، چه کارش می‌کردیم؟ باور کنید ما نمی‌توانستیم سرویس‌دهی در روز داشته باشیم، یعنی هر روز یک مشکلی داشتیم مثلا یک روز مسافر نبود، یک روز ماشینمان خراب بود و... ولی بخش خصوصی بلد است مدیریت کند.

در این شرایط چه کار می‌توان انجام داد؟ ما باید به عنوان حامیان اکوسیستم این موانع را برداریم. در همین مدت هم که شروع کردیم، توانسته‌ایم برخی موانع‌ها را برداریم، البته نمی‌گویم همه مشکلات حل شده چون انتظارت آن طرف خیلی بیشتر است، با این حال توانسته‌ایم تقریبا مشکل شرکتی مانند دیجی‌کالا را حل کنیم و حالا تقریبا دارد روی یک روالی کار می‌کند یا مشکل اسنپ تقریبا دارد حل می‌شود.

چه مشکلی؟

مشکلات زیادی داشتند.

این حل‌شدن به چه معنی است؟ شما می‌گویید مشکل دیجی‌کالا حل شده است! این را که برای نمونه سعید رحمانی، مدیر شرکت سرمایه‌گذار سرآوا به عنوان یکی از سهام‌داران این استارتاپ مجبور به ترک کشور شد و در نهایت هم بعد از چند سال با ادامه فشارهایی، سرآوا سهامش در دیجی‌کالا را به شرکت دیگری فروخت، حل مشکل می‌دانید؟ به نظر شما شرایط برای حل مشکل به گونه‌ای پیش نرفت که هر دو شرکت انتخاب دیگری نداشته باشند؟

یک کار برای بازکردن مسیر، مسیر بورس است. اگر برای استارت‌آپ‌های بزرگ‌مان این مسیر باز شود، آن موقع خریدوفروش سهام خیلی شفاف و خیلی واضح انجام می‌شود. زمانی که من می‌گویم مثلا فلان مشکل حل می‌شود، شما نباید صفر و یک نگاه کنید. صفر یعنی چه؟ یعنی یک مجموعه تعطیل شود، یک یعنی چه؟ یعنی یک مجموعه آن‌طورکه می‌خواسته، عمل کند. معاونت سعی کرده اتصال و ارتباط بین اکوسیستم و حاکمیت را برقرار کند. به هر حال قسمتی از حاکمیت یک‌سری نظرات دارد که باید اعمال شود و این نظرات جزء پارامترهای مهم است. این نوع فضا در همه دنیا هم وجود دارد. ما گاهی اوقات خودمان را از دنیا جدا می‌کنیم و یک مورد را فقط بررسی می‌کنیم. شما خودتان اگر موارد مختلف را دنبال کنید، متوجه می‌شوید که دولت‌ها تصدی‌گری نمی‌کنند، ولی حکمرانی می‌کنند.

ما باید بپذیریم که دولت تصدی‌گری نکند، ولی حکمرانی و مقررات‌گذاری برای اکوسیستم را انجام دهد. در اینجا با یک تضاد مواجه هستیم، یعنی هم یک جایی دوست داریم تصدی‌گری کنیم و هم حکمرانی! بهترین حالت این است که قوانین و مقررات‌مان را بگذاریم، حکمرانی مشخص در نظر بگیریم و بگوییم حالا در این فضا شروع به فعالیت کنید و دو طرف هم این موضوع را بپذیرند. درحال‌حاضر هر دو طرف یکدیگر را نمی‌پذیرند. برای نمونه شرکتی فعال در اکوسیستم بوده که با مشکل برخورد کرده و بررسی کرده و دیده‌ایم که خودش نمی‌خواهد یک‌سری کارها را انجام دهد تا مشکلش حل شود، آن‌هم درحالی‌که انجام این کارها براساس قوانین کشور از او خواسته شده است. در هیچ کشوری از دنیا این‌گونه نیست که کسب‌وکارها قوانین کشورشان را نپذیرند. برای رشد در اکوسیستم باید دو سمت این ماجرا، هم حاکمیت و هم کسب‌وکارها، با هم همکاری کنند. هیچ اکوسیستمی مانند ایران آماده و حاصلخیز برای کسب درآمد نیست. امروز باید خیلی خوشحال باشیم که سهام اسنپ، تپسی، دیجی‌کالا، دیوار و... این‌قدر با ارزش است. صحبت از عدد و رقم‌هایی می‌کنیم که در هیچ بازار سرمایه‌ای دیده نمی‌شود. درواقع اگر شما یک کارخانه فولاد، سیمان یا پتروشیمی زده بودید، نمی‌توانستید معادل یک شرکت دانش‌بنیان برای سهام‌دارتان سودآوری داشته باشید. کشور ایران برای ایده بسیار مساعد است، اینها دارایی نامشهود است که قابل تبدیل‌شدن به پول است. برای رشد این اکوسیستم دو طرف باید همکاری کنند. ما باید دولت حمایتگر باشیم. این حمایتگری باید هم از بُعد معنوی باشد و هم مادی. از طرف دیگر باید دولت بیمه‌گر باشیم.

بازار ایران یک بازار مساعد برای درآمد است؛ اگر همین شرکت‌ها در بازارهای اروپایی، آمریکایی و حتی در بازارهای حوزه خلیج فارس باشند، نمی‌توانند به اندازه بازار ایران درآمد داشته باشند، چون شما دو حُسن دارید؛ یکی اینکه زمینه در ایران آماده‌تر است و یک ایده کوچک هم زود می‌تواند به فناوری برسد. دوم اینکه خلق‌وخوی مصرف‌کننده‌تان را خوب می‌شناسید، چون از یک جنس هستید، بنابراین مشتری را می‌شناسید، یک بازار بکر دست‌تان است و مهد درآمد است.

باید در این اکوسیستم به یک توافق و یک تعامل برسیم. همیشه هم مشکل از سمت حاکمیت نبوده و خیلی وقت‌ها خود شرکت‌ها نمی‌خواهند همکاری کنند، یعنی یک موضوع ساده بوده و می‌توانند با انجام یک کار ساده آن را بپذیرند، ولی نمی‌پذیرند. حالا همین شرکت‌ها اگر در اروپا، آمریکا یا حوزه خلیج فارس بروند، با محدودیت‌های بیشتری روبه‌رو می‌شوند. من قوانین تمام کشورها را مطالعه کرده‌ام. ما خیلی در اکوسیستم باز عمل می‌کنیم و از این نظر سیستم اکوسیستم ما خیلی شبیه به اکوسیستم آمریکاست که بسیار سیستم بازتری از اروپا دارد که منقبض عمل می‌کند. من دغدغه دوستان را در اکوسیستم می‌پذیرم. ما باید بیشتر فعالیت کنیم، ولی به آن سمت هم حتما باید توجه کنیم که یک ایده خام در ایران خیلی سریع و به‌سرعت می‌تواند به ثروت تبدیل شود.

درباره بورس حرف زدید و اینکه ورود به بورس می‌تواند به این استارت‌آپ‌ها برای رشد کمک کند. از اواسط دهه ۹۰ بسیاری از استارت‌آپ‌های بزرگ کشور برای ورود به بورس تلاش کردند، اما در نهایت بعد از کلی اماواگر، فقط تپسی توانست وارد فرابورس شود. چرا ورود شرکت‌های استارت‌آپی به بورس این‌قدر طولانی شده است؟ چرا نهاد ناظر اجازه این ورود را به‌سادگی نمی‌دهد. برای نمونه دیوار به خاطر نداشتن تأییدیه نهاد ناظر چند سال است که پشت در بورس مانده است. معاونت علمی قرار است چگونه این گره کور را باز کند؟

خوشبختانه امروز ۱۰۹ شرکت دانش‌بنیانمان عضو بورس شده‌اند. این مسیر در حال بازشدن است. برای ورود هر شرکت به بورس روال‌های مشخصی وجود دارد که باید این روال طبق قانون سپری شود. به طور مثال من الان بخواهم پست دولتی بگیرم، باید طبق قانون مجموعه استعلاماتی انجام شود و من نمی‌توانم بدون انجام این استعلامات بگویم باید این شغل را به من بدهید. موضوع دیوار هم همین است، باید برای ورود به بورس این روند قانونی طی شود. به اعتقاد من مشکل دیوار به‌راحتی حل‌شدنی است.

پس چرا دیوار هنوز نمی‌تواند به بورس برود و برای داشتن یک تأییدیه امنیتی سال‌ها منتظر مانده است؟

چند هفته پیش با مدیرعامل و هیئت‌مدیره دیوار جلسه‌ای داشتیم و جلسه دیگری هم با نهاد ناظر برگزار می‌کنیم، چون مشکل خاصی برای ورود دیوار به بورس وجود ندارد. اینکه این موضوع این‌قدر طول کشیده، حالا که من به‌عنوان واسطه نگاه می‌کنم، به این بازمی‌گردد که دیوار هنوز تمایل برای ورود به بورس را ندارد. این تمایل خیلی مهم است و ما نمی‌خواهیم کسی را مجبور کنیم، ما هنوز خواستن یا آن تمایل را در دیوار برای ورود به بورس نمی‌بینیم.

اسفند سال گذشته دیوار تا پای جلسه پذیرش رفت، اما تأییدیه امنیتی برایش صادر نشد؟

نکته‌ای که هست و اشاره کردم، این است که وقتی شما می‌خواهید کاری انجام دهید، باید مجوز بگیرید. مثلا وقتی می‌خواهید یک کسب‌وکار در حوزه محیط زیست راه بیندازید، باید به شما مجوز داده شود. شما نمی‌توانید بگویید به من مجوز نمی‌دهند و من چند ماه است که می‌خواهم کار راه بیندازم و سرمایه‌گذار هم آورده‌ام ولی به من مجوز نمی‌دهند. شما باید خودتان مجوز را بگیرید. نمی‌توانید بگویید من مجوز نمی‌گیرم و باید مجوز را به من بدهند. اینکه منتظر باشند به آنها آن اجازه داده شود و خودشان هیچ اقدامی نکنند، هیچ نتیجه‌ای به دنبال ندارد.

خواسته نهاد ناظر فراتر از قانون نیست؟

من در جریان کارها هستم و خواسته نهاد ناظر به‌هیچ‌وجه فراتر از قانون نیست. من با هر دو طرف صحبت کرده‌ام، نهاد ناظر نکاتی دارد که از نظر من هم درست است.

چه نکاتی؟

نمی‌توانم این نکات را بگویم. شاید دیوار دوست نداشته باشد. این نکات اجراشدنی است، ولی دیوار به جای حل مشکل می‌گوید مشکل از نهاد ناظر است و این نهاد به من اجازه ورود نمی‌دهد. درحال‌حاضر می‌توانم قطعی بگویم اینکه دیوار به بورس برود یا نرود، کاملا دست خودش است. اگر دوستان این شرکت تصمیم به ورود به بورس بگیرند، هیچ مشکلی ندارند و باید مجوز درخواستی را بگیرند. نهاد ناظر چندین دغدغه دارد که این دغدغه‌ها هم درست است. من هم نمی‌توانم بگویم، چون در این ماجرا معاونت تسهیلگر است و در حال میانجیگری. شرایط دیوار برای ورود به بورس آسان است، ولی آنها از راه سخت می‌خواهند این ورود اتفاق بیفتد. خیلی از مشکلات اکوسیستم با گفت‌وگو حل خواهد شد. توسعه پایدار لازمه‌اش گفت‌وگو بین دو طرف است؛ اینکه دور یک میز بنشینند و یکدیگر را درک کنند. درحال‌حاضر بخش بزرگی از مشکلات اکوسیستم استارت‌آپی این است که درک متقابلی بین اکوسیستم و حاکمیت انجام نشده است. برای به‌توافق‌رسیدن باید یک بلوغ بین هر دو طرف اتفاق بیفتد.

و درواقع شما می‌گویید اینکه دیوار به بورس برود یا نه، دست خودش است؟

امروز که با شما صحبت می‌کنم، دیوار هیچ مشکلی برای ورود به بورس ندارد. ورود این شرکت به بورس بسیار ساده است. من از اسفند سال گذشته این موضوع را پیگیری کرده‌ام و می‌توانم بگویم مشکلی که از آن صحبت می‌شود، آن‌قدر ساده است که به نظر من حتی مشکل هم نیست. دوستان تصمیم بگیرند و بخواهند به بورس بروند، باید مجوز بگیرند که این مجوزگرفتن هم خواسته‌ای فراتر از قانون نیست.

با روندی از اواخر سال ۱۴۰۲ روبه‌رو بودیم که این روند در سال ۱۴۰۳ به اوج رسید، خیلی از بنیان‌گذاران شرکت‌های استارت‌آپی با فروش سهام خود به فردی دیگر از شرکتی که تأسیس کردند، خارج شدند، مانند «میلاد منشی‌پور» در تپسی و «مهدی شهیدی» و «حامد منصوری»، بنیان‌گذاران آپ. از طرفی هم برخی از سرمایه‌گذاران شرکت‌های استارت‌آپی از این مجموعه‌ها خارج شدند و سهامشان را به مجموعه جدیدی سپرده‌اند، مانند اتفاقی که برای سرآوا با فروش سهامش در دیجی‌کالا و هزاردستان رخ داد. به باور فعالان و کارآفرینان در اکثر این موارد، فشارها به مدیران این مجموعه‌ها باعث این خروج‌ها شده است. خیلی‌ها این نگرانی را مطرح می‌کنند که ادامه این روند باعث ازبین‌رفتن اکوسیستم استارت‌آپی خواهد شد. آیا شما در جایگاه معاون علمی و فناوری هم این نگرانی را دارید و اکوسیستم استارت‌آپی را در خطر می‌بینید؟

ابدا، خیلی محکم هم این نظر را دارم. این روند را اگر مطالعه کنید، در همه جای دنیا اتفاق افتاده. برای نمونه ایلان ماسک به‌عنوان سمبل کسی که استارت‌آپ‌های مختلفی راه انداخته، از چند تا از شرکت‌هایی که از ابتدا تا انتها در آنها بوده، به زور خارج شده است. اتفاقا این نشان‌دهنده بلوغ است.

درست است، اما این افراد وقتی از شرکتی خارج می‌شوند، در اکوسیستم می‌مانند و از دانش و قدرت نوآوری آنها استفاده می‌شود. آیا این روند در ایران هم این‌گونه است؟ چرا وقتی بنیان‌گذاری از ی شرکت استارتابی خود در ایران خارج می‌شود، ادامه کارش در این اکوسیستم متوقف و به خارج مهاجرت می‌کند؟

آدم‌ها به وجود می‌آیند و جای هم را می‌گیرند. آقای ایلان ماسک می‌آید و شرکت‌های مختلف راه می‌اندازد و می‌گوید خودم هم باید مدیرعامل باشم، اما می‌گویند نمی‌شود. با یک قیمت ارزان او را در تنگنا قرار می‌دهند تا از مجموعه خارج شود. این ذات طبیعی اکوسیستم است.

شما می‌گویید در اکوسیستم ما هم همین اتفاق می‌افتد؟

دقیقا، من می‌گویم اگر ریزش نباشد، رویش هم به وجود نمی‌آید. اگر تغییری در آن به وجود نیاید، توسعه‌ای هم اتفاق نمی‌افتد. الان ممکن است یکی عده‌ای نقد کنند و بگویند معاونت علمی در دور جدید با مدیریت جدید در تلاش برای از بین بردن یک‌سری شرکت دانش‌بنیان است. این یک دید است، اما دید دیگر هم این است که اتفاقا معاونت علمی تلاش می‌کند تا از یک برند حفاظت کند. شما ممکن است به من بگویید که مگر چندتا آقای X یا آقای Y داریم که در این سطح بتوانند دست به نوآوری و ایجاد شرکت استارت‌آپی پرقدرت بزنند، کاملا هم این حرف درست است، اما باید کمی وسیع‌تر نگاه کنیم که این ایده‌ها و این مدیرعامل‌ها در اکوسیستم می‌چرخند.

در ایران می‌مانند؟ ولی مشاهدات نشان می‌دهد که مهاجرت می‌کنند!

این‌طور نیست، اکثر آنها در حال ایجاد استارت‌آپ‌های جدید هستند. به اعتقاد من این اتفاق منفی نیست. شما ممکن است بگویید یعنی به نظر من این افرادی که از اکوسیستم خارج می‌شوند، نشانه خوبی است. من نمی‌توانم بگویم خوب است، اما به نظرم بد هم نیست.

به اعتقاد بسیاری از فعالان اکوسیستم استارت‌آپی هم، خروج بنیان‌گذاران از یک شرکت طبیعی است، چراکه یا از دانش آنها در اکوسیستم مجدد استفاده می‌شود یا آنها استارت‌آپ جدیدی راه می‌اندازند، اما این روند طبیعی در دنیا، در ایران اتفاق نمی‌افتد و مدیران و سرمایه‌گذاران به خاطر مجموعه فشارها وسیاست‌گذاری اشتباه، مجبور به ترک شرکت و واگذاری سهامشان می‌شوند.

در خارج هم اجبار بوده، من اصلا نمی‌گویم این روند خوب است یا بد، فقط نمی‌خواهم ناامیدی به وجود بیاید. ممکن است من کاری را شروع کنم و شکست بخورم. باز هم ایلان ماسک را مثال می‌زنم؛ در حوزه پرتاب ماهواره به فضا چند بار شکست می‌خورد تا بالاخره موفق می‌شود. اگر او در ایران بود تا الان دستگیر شده بود؛ چون می‌گفتند کلاهبردار است. به اکوسیستم آنها هم که نگاه کنید، با افراد فعال در آن با ناملایمات شدید برخورد می‌کنند، سرشان کلاه می‌گذارند، نهادی که در دولت یا بخش خصوصی است، ممکن است آنها را از اکوسیستم بیرون کند و... این یک سیر طبیعی است.

برای مک‌دونالد چه اتفاقی افتاد؟ دو برادر مک‌دونالد را ایجاد کردند و با برنامه‌ریزی کسب‌وکارشان بزرگ شد، در قدم بعدی نفر سومی هم به آنها اضافه شد و گفت من یک ایده دارم، به من مجوز بدهید تا شعبه‌های مک‌دونالد را در جاهای مختلف دیگر هم افتتاح کنم. در نهایت قدرتش از دو بنیان‌گذار اصلی بیشتر شد و آنها را حذف کرد و گفت شما می‌توانید یک همبرگری دیگر بزنید، اما نمی‌توانید از اسم مک‌دونالد استفاده کنید. آیا اکوسیستم دانش‌بنیان در آمریکا از بین رفت؟ این یک سیر طبیعی است. بازار اکوسیستم دانش‌بنیان همان‌طورکه هیجانی و جذاب است، می‌تواند خطرناک هم باشد، باید بگذاریم روند طبیعی طی شود. تنها کاری که باید کنیم، جلوگیری از مداخله اضافه است. دوست ندارم از حرف‌هایم بد برداشت شود؛ من می‌گویم ما باید کمک کنیم اتفاقات این‌چنینی کم‌رنگ شود، اما نباید این اتفاقات باعث ناامیدی شود و بگوییم دارد یک اکوسیستم نابود می‌شود. این یک ریزش و تولد است. در همین شرایط هم باید فضا را کنترل کنیم و اجازه ندهیم دست‌های دیگر وارد فضا شود.

در کنار خروج‌هایی که در اکوسیستم استارتابی کشور شروع شده، اتفاق دیگر، افزایش مهاجرات مدیران استارتاپی و کارآفرینان است که تقریبا از سال ۱۳۹۸ اوج گرفت. آیا معاونت برنامه‌ای برای بازگرداندن نیروهای نخبه و مدیران کارآفرین به کشور دارد؟ مثلا برنامه‌ای دارید که فردی مانند سعید رحمانی به کشور بازگردد و روند سرمایه‌گذاری و مدیریت در اکوسیستم را دوباره آغاز کند؟

شاید کاری که ما باید انجام دهیم و خیلی مهم است، این باشد که مرز را برداریم. الان اکوسیستمی از ایرانی‌هایی داریم که در اکوسیستمی مانند اروپا، کشور آمریکا یا حتی در حوزه خلیج فارس کار می‌کنند. اینکه با برنامه‌هایی مشخص بتوانیم ارتباط بین شرکت‌های دانش‌بنیانمان و افراد متخصصمان در خارج از کشور را برقرار کنیم، شاید بهتر از حضور فیزیکی آنها باشد. امروز باید فضایی را آماده کنیم که افراد بتوانند از فضای کاری ایران، از فضای کاری اشتراکی بین متخصصان ایرانی، ایرانی‌های خارج از کشور یا افراد خارجی استفاده کنند. در واقع بازار اینجا بتواند با هر دو طرف در ارتباط باشد، در نهایت به فکر حضور فیزیکی این افراد باشیم. بعضا در این زمینه اشتباه می‌کنیم، فکر می‌کنیم اول باید فرد را بکشانیم و به ایران بیاوریم تا بتوانیم از فعالیتش استفاده کنیم. این در حالی است که ما باید اول برای این افراد جاذبه‌های اقتصادی ایجاد کنیم تا مرحله به مرحله علاقه پیدا کند که سالی یک بار، دو بار و... به کشور بیایند. نگرشمان را باید به حوزه مهاجرت معکوس عوض کنیم.

برنامه مشخص شما درباره تأمین مالی استارتاپ‌ها چیست؟ صندوق نوآوری به‌عنوان بازوی کمکی شما در بخش سرمایه‌گذاری، اعلام می‌کند مبالغی را به فعالان این اکوسیستم تخصیص داده است، اما وقتی با اکثر کسب‌وکارهای این اکوسیستم صحبت می‌شود، آنها می‌گویند تا الان نتوانسته‌اند از این حمایت‌های مالی استفاده کنند. روند تأمین مالی درست برای اکوسیستم استارتاپی چگونه قرار است اصلاح شود؟

تأمین مالی در این زمینه را در چند دسته باید دید؛ یک دسته، تأمین مالی خرد برای استارتاپ‌هاست و یک دسته هم تأمین مالی برای شرکت‌هایی که به یک بلوغ رسیده‌اند. برای این شرکت‌های باید شرایطی ایجاد کنیم که در سه بخش بین یک تا ۱۰ میلیارد، ۱۰ تا صد میلیارد و بالاتر امکان دریافت وام داشته باشند. برای هر سه بخش ما برنامه در نظر گرفته‌ایم. برای پرداخت وام در دسته بالاتر، تلاش‌های مشخصی شده است. در آیین‌نامه‌ای که به‌تازگی دولت برای سال سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید مصوب کرد، معاونت علمی با کمک بانک مرکزی می‌تواند گواهی اوراق منتشر کند. اسم این اوراق را هم «اوراق توسعه فناوری» گذاشته‌ایم. مجوز گرفته‌ایم که تا ۲۰ همت این اوراق را برای دسته‌ای از شرکت‌ها که نیاز مالی بالا دارند، منتشر کنیم. برای دسته بعدی از استارتاپ‌ها که نیازمند حمایت مالی حداقلی هستند، با کمک صندوق نوآوری و معاونت علمی توانایی تأمین مالی وجود دارد؛ به اضافه اینکه در این بخش تأمین مالی جمعی را هم فعال کردیم. البته هزینه تأمین مالی جمعی بالاست، بااین‌حال تلاش می‌کنیم این هزینه را از طریق وجوه اداره‌شده تعدیل کنیم.

اما بخش درخور توجهی از استارتاپ‌ها با وجود سال‌ها برنامه‌ریزی در این زمینه هنوز نتوانسته‌اند از کمک‌های تأمین مالی معاونت استفاده کنند.

درست است. برای آن بخش از استارتاپ‌ها که زیاد هم هستند و اتفاقا حمایت‌های کمی هم می‌خواهند، مثلا یک یا دو میلیارد تومان، در حال برنامه‌ریزی هستیم که هم از طریق معاونت و هم صندوق نوآوری، برایشان تأمین مالی صورت بگیرد. یک چیز را فراموش نکنید، یک زمانی بودجه صندوق نوآوری سه همت بوده و شاید تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان فقط هزار شرکت بود، اما امروز شرکت‌های دانش‌بنیان به بیش از ۱۰ هزار شرکت رسیده و بودجه صندوق ۲۰ همت است. این میزان بودجه را به دلاری تقسیم کنید، تقریبا افزایش بودجه‌ای اتفاق نیفتاده و ثابت مانده است. با کمک قوانینی که در قانون جهش دانش‌بنیان وجود دارد، باید این فاصله بین بودجه ثابت و افزایش تعداد شرکت‌ها را جبران کنیم. بودجه صندوق در سال گذشته زیر پنج همت بود و الان به ۲۰ همت رسیده و تا پایان برنامه حتما سرمایه صندوق نوآوری به ۵۰ همت خواهد رسید. مواد در نظر گرفته شده در قانون جهش دانش‌بنیان، فضایی ایجاد می‌کند که از اعتبارهای مالیاتی، پول‌هایی به اکوسیستم آورده شود، اگر این مواد قانونی به درستی اجرا شود، می‌توانیم به تأمین مالی شرکت‌ها کمک کنیم و یک اتفاق خوب برای اکوسیستم رقم بزنیم.

از طرف دیگر، آیین‌نامه‌های قانون تأمین مالی هم در حال نهایی‌شدن است. آن قانون هم فرصت‌های بسیار خوبی برای اکوسیستم فراهم می‌کند. ما به‌عنوان معاونت علمی در تمام جلسات تصویب این آیین‌نامه که در وزارت اقتصاد است، شرکت کردیم. در این آیین‌نامه توانستیم برای شبکه دانش‌بنیان بندهای خوبی در نظر بگیریم. یکی از مهم‌ترین بندهایی که در این آیین‌نامه گنجانده‌ایم، «ارزیابی دارایی‌های نامشهود شرکت‌ها» است که برای سال‌ها معضل بوده است. در بسیاری از مواقع شرکت‌های دانش‌بنیان می‌خواسته‌اند شرکتشان را به‌عنوان وثیقه بگذارند، اما ارزیاب فقط می‌دید یک دفتر است که چند میز و صندلی دارد و اعلام می‌کرد که جمع این شرکت ۲۰۰ میلیون هم ارزش ندارد. بنابراین در آیین‌نامه قانون تأمین مالی، دارایی‌های نامشهود هم در کنار دارایی مشهود مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا این بخش هم به‌عنوان دارایی یک شرکت در نظر گرفته شود. در نهایت بانک‌ها موظف هستند این دارایی ارزیابی شرکت‌ها را به‌عنوان وثیقه قبول کنند. معتقدم اجرای این قانون باعث می‌شود اتفاق‌های خوبی در اکوسیستم در بحث تأمین مالی اتفاق بیفتد.

در ماه‌های گذشته، بحث‌های مرتبط با مذاکرات بسیار مورد توجه بوده و در این مدت هم چند دور از این مذاکرات برگزار شده است. با توجه به برگزاری این مذاکرات، معاونت علمی و فناوری برنامه‌ریزی برای برداشته‌شدن هرچه سریع‌تر تحریم‌ها انجام داده است؟ اولویتی در این زمینه مشخص کرده‌اید؟

تلاش کردیم در این زمینه دو برنامه داشته باشیم؛ یک برنامه برای پساتحریم در نظر گرفته‌ایم و یک برنامه هم برای شرایطی که باز تحریم‌ها ادامه داشته باشد. تمامی این برنامه‌ها مدون است و ما می‌دانیم که به‌عنوان معاونت علمی، اگر توافقی شد و پساتحریم اتفاق افتاد، باید چه گام‌هایی برداریم و چه فرصت‌هایی را ایجاد کنیم. از طرف دیگر اگر قرار باشد تحریمی برداشته نشود و به همین شکل ادامه پید کند، مشخص کرده‌ایم که چگونه باید به فناوری و فضای از دسترس خارج‌شده برای کسب‌وکارهای ایرانی دسترسی پیدا کنیم. با قدرت عرض می‌کنم که در این زمینه مشکلی نداریم. اگر همین روند ادامه پیدا کند، ما می‌توانیم با برنامه‌ای که در نظر گرفته‌ایم، به موارد مورد نیازمان در اکوسیستم دسترسی پیدا کنیم.

یکی از انتقادهایی که شرکت‌ها و فعالان اکوسیستمی مطرح می‌کنند، این موضوع است که نهادهایی مانند معاونت در زمان تحریم، برای برداشته‌شدن محدودیت‌ها تلاشی نکرده‌اند و نتوانسته‌اند با نهادهای بین‌المللی این حوزه وارد چانه‌زنی شوند تا تحریم‌هایی را که خلاف حقوق بین‌الملل است، رفع کنند. این در حالی است که به گفته آنها، شما امکانات و منابع مالی بیشتری در این زمینه در اختیار دارید. آیا معاونت علمی تصمیم ندارد در این زمینه گامی بردارد؟

در دولت این موضوع تقسیم کار شده است و برای ایجاد یکنواختی در